



یک سال با ورود دسته‌ی کاروان حسینی به خانه‌ی اعلا، همراه طبل و موزیک چووشی کردم. در کربلا، داخل حرم امام حسین(ع) و صحن ابوالفضل(ع) چووشی کردم. در یزد هم روز اربعین داخل مسجد ملا اسماعیل یزد و در ایوان بزرگ این مسجد چووشی کردم. حیاط مسجد خیلی بزرگ بود و ۷ تیرک می‌خورد. تمام هیئت‌ها به آنجا می‌آمدند و جمعیت زیاد بود اما بدون بلندگو و با صدای بلند چووشی کردم. صدای چووشی‌خوان باید بلند باشد و غرا بخواند. فشار زیادی به گلو می‌آید. هرچند با بلندگو بهتر می‌توان چووشی کرد. هنوز در خاطرم مانده که بعد از اتمام «چووشی» در خانه‌ی حاج رشید، سر طناب خیمه را گرفتم. طناب پاره شد و از دیوار چهار متری داخل کوچه افتادم. بلند شدم و دوباره به پشت بام رفتم.

در حال حاضر کسی برای یادگیری چووشی خوانی براز علاقه می‌کند؟

بله، بعضی افراد هستند و می‌آیند. بچه‌های برادرم از من یاد گرفتند تا این کار فراموش نشود اما به مرور دارد فراموش می‌شود. آن قدر مداح‌ها زیاد هستند که دیگر کسی چووشی نمی‌خواند.

بابت چووشی خوانی هدیه‌ای دریافت کرده‌اید؟

هرکسی دوست داشته باشد به عشق امام حسین(ع) هدیه‌ای می‌دهد مثلاً بسته‌ی چای، قند و یا خلعت و... بعضی‌ها به عنوان تبرک هدیه‌ای می‌دهند ولی من فقط به عشق امام حسین(ع) می‌خوانم.

تاریخچه چووشی در سیرجان را می‌دانید؟

در ایام قدیم، علم و پرچم دست‌شان می‌گرفتند و در کوچه‌ها چووشی می‌کردند. قبل از شروع روضه‌خوانی در خانه‌ی پدرم چند نفر (آسیدمحمد شجاع، آسید علی‌اصغر رضوی، کل‌عبدالحسین مداح‌الحسینی و خودم، برادرها و پدرم) بالای پشت بام می‌رفتیم و قبل از شروع روضه‌خوانی چووشی می‌کردیم. (با آهنگ می‌خواند): «یا امام، یا امام، یا امام، آقا، یا امام، یا امام، یا امام یا آقا، یا امام حسین،

جانم حسین، یا حسین، زینب وارد کربوبلا شد یا حسین، یا حسین، عباس علمدار، سقای علمدار و...» این شعرها را می‌خواندیم و بعد ذکر می‌گرفتیم: «یا امام، یا امام، یا غریب یا، غریب آقا» حدود ۲۰ دقیقه می‌خواندیم و تمام همسایه‌ها و شهر خبر می‌شدند که روضه در حال برپا شدن است.

از چووشی‌خوانان قدیمی کسی را می‌شناسید؟

قدیمی‌ها فوت کردند و کسی در قید حیات نیست.

نمونه‌ای از شعرهای چووشی را برای‌مان بخوانید.

برای کسی که زائر کربلا بود، می‌خواندیم: «هرکه دارد هوس کربوبلا

بسم‌الله، هرکه دارد به سرش شور و نوا بسم‌الله، گر که در سینه‌ی خود شوق زیارت داری، رود این قافله تا کربوبلا بسم‌الله، هرکه را میل سوی قبله‌ی عشاق بود، می‌دهد عشق به آوای رسا بسم‌الله، کاروانی شده آماده‌ی عشاق حسین، تا کنون پای طلب هست تو را بسم‌الله، علقمه منتظر ماست چرا بنشستی، سوی این چشمه‌ی پر شور و نوا بسم‌الله». برای زائر مشهد شعر دیگری می‌خواندیم: «ز تربت شهدا بوی سبب می‌آید، ز طوس بوی رضای غریب می‌آید، ز طوس تا به مدینه هزار فرسنگ است، به شاه قبه‌طلا حضرت رضا صلوات». برای مرثیه‌ی حضرت زینب می‌خواندیم: «کسی نگفت حسین غریب مهمان است، کسی نگفت که این تشنه لب مسلمان است، کسی نگفت به زینب که ای دل‌افسرده، بقای عمرتو باشد برادرت مرده».